

تحولات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ رویکرد های نوین و چالش ها

محمد حسن حسنی* / سید حسین شاهچراغ**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶

چکیده

قانونگذار مجازات اسلامی در ادوار مختلف قانونگذاری، به تبعیت از دیدگاه فقهی مشهور، اصل اولی را بر مسؤولیت کیفری مرتکبان جرم در حال مستی بنا نموده و برای آن استثنائاتی قائل شده است. اتخاذ چنین رویکردی، افزون بر همسویی آن با اصول انصاف و نظم عمومی، از مبانی مستحکم فقهی و حقوقی نیز برخوردار است. با این وصف، در ضوابط اعمال این رویکرد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولات قابل ملاحظه ای رخ داده است: تمیز بین مستی اختیاری و غیر اختیاری، تعمیم منشأ مستی از خمر به مواد مخدر و داروهای روان گردان و نظایر آن، تغییر در شرایط اعمال برخی از ضوابط احراز مسؤولیت کیفری همچون تقیید قصد قبلی از مطلق جرم به قصد قبلی برای وقوع جرم مورد نظر، پیش بینی ضابطه نوین علم به وقوع جرم، تمایز بین عهده دار اثبات ضوابط مسؤولیت کیفری در قبال جرایم ارتكابی در حال مستی و تصریح قانونی به مسؤول پرداخت دیه جنایت ارتكابی در حال مستی، از مهم ترین تحولات و رویکرد های نوین قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد. با این وجود، قانون یاد شده از برخی ابهامات و نارسایی های قانونی نظیر ابهام در نوع قتل در شرایطی که مستی به منظور قتل شخص معین بوده و به اشتباه، شخص دیگری کشته می شود، ابهام در نوعی یا شخصی بودن معیار علم به وقوع جرم، ابهام در نوع و میزان مجازات تعزیری مقرر در ماده ۳۰۷ و تعارض یا عدم تعارض مواد ۱۵۳ و ۳۰۷ با مواد ۱۲۰ و ۱۲۸ قانون یاد شده، رنج می برد.

کلیدواژه: مستی، بی ارادگی، جرم، قتل، مسؤولیت کیفری، موانع مسؤولیت

۱- مقدمه

مطابق اصول کلی حقوق جزا، اختیار و قوه تمیز از ارکان مسؤولیت کیفری قلمداد می گردد. به عبارت دیگر، شخصی را می توان در قبال نقض قانون کیفری مورد مؤاخذة و عقاب قرار داد که با برخورداری از ادراک و قدرت انتخاب نقض یا عدم نقض قانون کیفری، اقدام به نقض آن نماید؛ در غیر این صورت، هیچ یک از اهداف مجازات تحقق نخواهد یافت. در اسباب ازاله اراده یا عقل، مستی از دیرباز کانون توجه حقوقدانان بوده است. مستی، حالتی است غیر عادی و ناپایدار که به - واسطه استعمال هر ماده ای - خواه مایع یا جامد، طبیعی یا شیمیایی - پدید آمده و موجب اختلال تام یا نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده انسان می گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۲/۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۰۹/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۴/۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۶/۱؛ علوی، ۱۳۹۱: ۳؛ الجزیری، ۱۴۱۹: ۲۰/۵). در این حالت، فرد مست، علیرغم سستی در اعضاء بدن، احساس قدرت نموده و نظم کلام وی مختل و راز نهانش آشکار می شود. از اینرو، موجب طرح این مسأله اساسی گردیده است که با وجود مستی در حین ارتکاب جرم، آیا شناسایی مسؤولیت کیفری و تحمیل مجازات بر شخص مست با اصول عدالت کیفری و نظم عمومی همسو می باشد یا خیر؟ این مسأله در حقوق کیفری ایران، از حیث ضرورت انطباق آن با موازین شرعی، اهمیت مضاعف می یابد و موجب طرح مسائل دیگری می گردد. برای نمونه، آیا ارتکاب جرائم، خواه حقّ اللّهی و یا حقّ الناسی ارتکاب یافته در حال مستی، رافع مسؤولیت کیفری می باشد؟ آیا مستی اختیاری و غیر اختیاری، موضوع حکم واحدی خواهد بود؟ آیا مصرف داروهای مخدر و خواب آور را می توان از حیث آثار آن ملحق به مستی ناشی از شرب خمر دانست؟ چنان چه جانی به منظور قتل شخص معینی، خود را مست نماید اما به اشتباه و در حالی که کاملاً مسلوب الاراده است فرد دیگری را بکشد، قتل ارتکاب یافته، قتل عمد شمرده می شود؟ افزون بر این، آیا رویکرد های

نویسنده قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین کیفری سابق، همسو با اصول انصاف و عدالت کیفری و نظم عمومی قلمداد می‌گردد؟

هرچند در باب تأثیر مستی در مسئولیت کیفری، سابق بر این، پژوهش‌هایی صورت گرفته و به برخی از مسائل مرتبط با آن پاسخ داده شده است، لیکن با تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و تحولاتی که در مقررات ناظر به مستی و تأثیر آن در مسئولیت کیفری رخ داده است، ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن نیازمند پژوهش مستقل است. به همین منظور، در این نوشتار، نخست به نحو مختصر اقوال فقهی در این باب تبیین خواهد شد و سپس، رویکرد قانونگذار کیفری ایران با تأکید بر رویکرد های نوین و چالش‌های موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۲- تبیین اقوال فقهی

مطابق دیدگاهی که فقهای شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند، مستی بدون اختیار و با عذر شرعی اصولاً رافع مسئولیت کیفری است، مگر آن که ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم کاملاً مسلوب الاراده نبوده است و بلکه دارای شعور و ادراک لازم برای تشخیص قبح رفتار خود بوده است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۹۶/۸۹؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۴۳۶/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۷/۴۲؛ عوده، ۱۹۶۸: ۵۸۳/۱؛ ابن قدامه، بی تا: ۳۵۸/۹؛ قپانچی، ۱۳۷۵: ۱۳۶). با این وجود، پرداخت دیه مقتول از باب به هدر نرفتن خون مسلمان ضروری است (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴/۱) بنابراین، اختلاف نظر فقهی در این باب، منحصر به حالتی است که شخص بدون عذر شرعی، مست کرده و هنگام ارتکاب جرم نیز فاقد قدرت تمیز لازم باشد (برای ملاحظه ادله اقوال مختلف در این زمینه بنگرید به: قپانچی، ۱۳۷۵: ۱۳۸-۱۴۹).

۲-۱- قول فقهی مشهور

تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۱۸۸

بر اساس دیدگاه فقهی مشهور، ارتکاب جرم در حال مستی، اصولاً رافع مسؤولیت کیفری نخواهد بود، مگر آن که اولاً، مستی از روی عمد و عصیان نباشد؛ ثانیاً، مرتکب حین ارتکاب جرم کاملاً مسلوب الاراده باشد؛ و ثالثاً، به قصد ارتکاب جرم خود را مست نموده باشد و یا نداند که مستی در آن اوضاع و احوال نوعاً منجر به ارتکاب جرم می شود (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۲۱۶/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۶/۴۲-۱۸۷)، زیرا در غیر این صورت، فرد مست به واسطه مست کردن خود و ازالّه عقل از روی اختیار و عصیان، اسباب وقوع جرم را فراهم می آورد. به همین جهت نیز شخص مست را نمی توان به خاطر فقدان عقل همدیف با مجنون و صغیر غیر ممیز و فاقد مسؤولیت کیفری شناخت. به عبارت دیگر، با استناد به قاعده «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار»، وحدت ملاک در این مورد محقق نیست. از اینرو، برخی از فقها شخص مست را در تمامی احکام مانند شخص غیر مست دانسته اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۰/۷)؛ افزون بر این، یکی از دلیل های این اصل، دفع فساد است. برای نمونه، اگر افراد بدانند که در صورت ارتکاب قتل در حال مستی، قصاص نخواهند شد ممکن است به قصد فرار از کیفر قصاص، پیش از قتل مست نمایند و به این طریق، به حق حیات دیگران تجاوز نمایند (آقایی نیا، ۱۳۸۴: ۱۳۵/۱؛ قیابچی، ۱۳۷۵: ۱۳۳). در بین فقهای اهل سنت نیز مشهور ثبوت قصاص بر فردی است که تعمّد و عصیان در مستی داشته است (نووی، بی تا: ۲۸/۷؛ الشربینی، ۱۳۷۷: ۱۵/۴؛ ابن قدامه، بی تا: ۳۵۸/۹؛ الزحیلی، ۱۴۱۸: ۵۶۶۵/۷).

۲-۲- اقوال فقهی غیر مشهور

برخی از فقها با استدلال به این که در جرم قتل عمدی، قصد شرط است و مست، فاقد قصد است قائل به مجازات قصاص برای او نیستند (جبعی عاملی، ۱۳۷۳: ۸۷/۲؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۰۳-۱۰۴). برخی از فقها نیز قائلند که چنان چه شخص مست، عالم به این بوده است که مستی او نوعاً منجر به قتل می شود، بر او قصاص ثابت است

۱۸۹ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۲ - شماره ۲۲ - بهار و تابستان ۹۹
و در غیر این صورت، یعنی وقتی که قتل کاملاً اتفاقی بوده، قصاص ندارد و بلکه
موجب پرداخت دیه مقتول خواهد بود (خوئی، ۱۴۲۲: ۸۰/۲-۸۲؛ فاضل لنکرانی،
۱۴۰۷: ۱۴۰-۱۴۱).

۳- رویکرد قانونگذار کیفری ایران

از هنگام وضع نخستین قانون مجازات در ایران تاکنون، قانونگذار در ادوار مختلف
قانونگذاری عرفی، درباره کیفیت و حدود مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی
در حال مستی، رویکرد های متفاوتی را با الهام از عرف اجتماعی حاکم بر جامعه
ایرانی اتخاذ نموده است که می توان در قوانین مجازات عرفی و قوانین مجازات
اسلامی مورد بررسی قرار داد.

۳-۱- قوانین مجازات عرفی

در نخستین قانون مجازات عرفی، یعنی قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانونگذار
مقررّه خاصی را در باب تأثیر مستی حین ارتكاب جرم در مسؤولیت کیفری مرتکب
وضع ننمود. عدم پیش بینی صریح رفع مسؤولیت کیفری به واسطه مستی، دلالت
ضمنی بر آن داشت که قانونگذار مزبور، مستی را رافع مسؤولیت کیفری محسوب
نکرده است و مؤید این مطلب نیز آراء اصراری صادره از دیوان عالی کشور در زمان
حاکمیت قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ است که به موجب آن، «فقدان اراده متهم از
جهت مستی، موجب معافیت از کیفر نیست». در این میان، با تصویب قانون مجازات
عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، قانونگذار به طور خاص در خصوص شرایط تحقق مستی و
تأثیر آن در مسؤولیت کیفری مرتکبان جرم در چنین حالتی، مقرراتی را وضع نمود.
وفق ماده ۳۷ این قانون، مستی حاصل بر اثر استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر و
مانند آنها، ولو آن که موجب مسلوب الارادگی کامل شده و مستی نیز به منظور

۱. رأی شماره ۹۳۳۷/۵۵۶-۱۳۱۶/۳/۱۵-شعبه پنجم و رأی شماره ۱۷-۱۳۱۹/۵/۲۹-شعبه دوم دیوان عالی کشور.

تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۱۹۰
ارتکاب جرم نبوده باشد، رافع مسؤولیت جزایی شمرده نشده و صرفاً می توانست از
موجبات تخفیف در مجازات شناخته شود.

۲-۳- قوانین مجازات اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد قانونگذار کیفری ایران در قبال جرائم
ارتكابی در حال مستی نیز تغییر یافت. قانونگذار، در ادوار مختلف قانونگذاری و با
تبعیت از دیدگاه فقهی مشهور، مسؤولیت کیفری مرتکبان جرم در حال مستی و
وجوب مجازات آنان در قبال کلیه جرائم، اعم از جرائم حقّ اللّهی و حقّ الناسی را به -
عنوان اصل اولیه مورد حکم قرار داده و در موارد استثنائی، مستی را از موجبات رفع
یا کاهش مسؤولیت کیفری آنان قلمداد نموده است. مفاد ماده ۲۸ قانون راجع به
مجازات اسلامی (۱۳۶۱)، ماده ۲۰ قانون حدود و قصاص (۱۳۶۱)، مواد ۵۳ و ۲۲۴
قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)، مواد ۱۵۴ و ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)،
دلالت بر اتخاذ چنین رویکردی از جانب قانونگذار مجازات اسلامی دارند. با این
وصف، در ضوابط اعمال این اصل و استثنائات آن در قوانین مجازات اسلامی پیشین و
قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تفاوت هایی نیز وجود دارد. در ادامه تحوّلات تقنینی
ناظر به تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد واکاوی
قرار می گیرد.

۴- تحوّلات ناظر به مستی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

مقررات ناظر به تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
به نحو قابل ملاحظه ای متحوّل گردیده است که افزون بر احصاء و تبیین این تحوّلات
و خلأ های تقنینی احتمالی، ارزیابی همسویی آن با اصول انصاف و عدالت و نظم
عمومی، ضروری می نماید. به همین منظور، در آغاز رویکرد های نوین و سپس
چالش های موجود در این قانون در این باب، بررسی می شود.

۱-۴- رویکرد های نوین

در مقام مقایسه و تطبیق مقررات ناظر به جرائم ارتكابی در حال مستی در قوانین مجازات اسلامی پیشین و ۱۳۹۲، می توان به چند تحول و رویکرد نوین اشاره نمود:

اول: حکم جرائم ارتكابی در حال مستی، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به طور مطلق، صرفنظر از منشأ آن بیان شده است و حال آن که، قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این زمینه بین مستی اختیاری و غیر اختیاری (مانند مستی ناشی از اشتباه، اکراه و اجبار) قائل به تفاوت شده است.

دوم: قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۷۰، صرفاً از مستی ناشی از شرب خمر سخن می گوید و حال آن که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سبب مستی از انحصار خمر خارج شده و به مواد مخدر و روان گردان و مانند آن تعمیم یافته است. در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به طور صریح مقرر گردیده است که مصرف مسکر، خواه از طریق تناول یا غیر تناول، مانند تزریق، تدخین، موجب مستی و حدّ است. با توجه به عدم جامعیت معنای شرب، بسیاری از فقیهان، در موجب ثبوت حدّ از واژه تناول، که اعمّ از شرب و اکل است، استفاده نموده اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۵۰/۴۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۶۴/۱۶؛ گلیایگانی، ۱۴۱۲: ۲۹۹/۱؛ خمینی، ۱۳۶۶: ۴۷۸/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۳: ۹۴۹/۴؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۵۱۱/۴؛ اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۸۵/۱۳؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴: ۴۷۹/۲۵؛ حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۹/۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۰/۵)؛ بنابراین، مالیدن و ممزوج کردن خمر با غذاها، دواها و ریختن مسکر در حلق، اکل محسوب می گردد. سعوّط، یعنی به بینی کشیدن مسکر، زمانی که خمر از راه بینی به حلق و سپس به شکم وارد گردد، نیز تناول محسوب می شود. برخی احتقان (اماله کردن)، تضمید (پماد روح زخم) و اطّلاء (به بدن مالیدن) را تخصّصاً از معنای تناول خارج می دانند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۵۰/۴۱؛ حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۳/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۱۹/۲؛ گلیایگانی، ۱۴۱۲: ۲۹۹/۱)؛ در صورتی که خمر به روش های فوق استعمال گردیده و منجر به مستی و ثبوت حدّ گردد، مشمول مقررات ناظر به ارتكاب جرم در حال مستی خواهد بود. در الحاق داروهای خواب آور به مسکر، اختلاف نظر وجود دارد. برخی

تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۱۹۲

با استدلال به وحدت مقتضی و تنقیح مناط، الحاق را أرجح می دانند؛ زیرا استفاده از دارو های خواب آور نیز موجب ازاله عقل و اختیار می شود و ملاک رفع، تخفیف یا تشدید مجازات نیز فاکتور کلی مستی است که می تواند به واسطه دارو های خواب آور نیز ایجاد شود (مسجدسرائی، ۱۳۸۹: ۷۶؛ خمینی، ۱۳۶۶: ۵۲۳/۲؛ سپهوند، ۱۳۸۶: ۸۵/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۹۶/۸۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۰/۷؛ دردیر، ۳۳۷/۴؛ الجزیری، ۱۴۱۹: ۴۵۹/۵؛ حجّتی، ۱۳۸۴: ۲۲۴). در مقابل، برخی معتقدند که عرف، افعال ارتكابی در حال بی ارادگی ناشی از مصرف اختیاری دارو های خواب آور را در حکم عمد نمی داند، اما مواد مخدر و دارو های روان گردان، ملحق به مشروبات الکلی اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۴۳۳؛ آشوری، ۱۳۹۱: ۴۳) زیرا حتی اگر بتوان ارتکاب فعل نامشروع در اثر مصرف دارو های خواب آور را پیش بینی کرد، این احتمال چندان قوی نیست که رضایت به نتیجه را به اراده مرتکب منتسب نماید و حال آن که مواد مخدر و دارو های روان گردان، معدّ برای از خود بی خود شدن هستند، برخلاف دارو های خواب آور که وسیله ای برای آرامش و سکون اند. افزون بر این، آن دسته از فقها (جبعی عاملی، ۱۴۱۶: ۱۶۵/۱۵-۱۶۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۷/۴۲) که با اصل الحاق سایر مواد سکرآور به مشروبات الکلی در زوال عقل مخالفند به طریق اولی، با الحاق دارو های خواب آور به احکام تأثیر مصرف مشروبات الکلی در مسؤولیت کیفری نیز مخالفت می نمایند. در مقام داوری بین این دو دیدگاه، به نظر می رسد دیدگاه نخست از استحکام بیشتری برخوردار است؛ چه این که همانگونه که مصرف مواد الکلی می تواند موجب فقدان اراده و قوه تمییز در انسان شود، مصرف برخی دارو های خواب آور یا مصرف بیش از اندازه آنها نیز می تواند سبب بی ارادگی یا عدم تعادل روانی انسان شود. از اینرو، الحاق آنها به مواد مسکر، أقرب به واقع است.

سوم: مسلوب الارادگی کامل حین ارتکاب جرم در حال مستی و فقدان مستی به منظور ارتکاب جرم، از ضوابط مشترک عدول از اصل مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی در حالت مستی در قوانین مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ می باشند. با این وجود، در شرایط اعمال برخی از این ضوابط، قانونگذار رویکرد های متفاوتی در قوانین مجازات اسلامی یاد شده اتخاذ نموده است. توضیح آن که قانونگذار، در هر دو قانون مجازات اسلامی، بین ارتکاب جرم قتل در حال مستی و سایر جرائم، تفکیک قائل شده و آن را تابع مواد قانونی مستقلی قرار داده است. قانونگذار مجازات اسلامی پیشین، رفع مسؤولیت کیفری در قبال قتل ارتكابی در حال مستی را منوط به آن نموده است که مستی به منظور ارتکاب چنین عملی، یعنی قتل نبوده باشد، اما در سایر جرائم، منوط به آن نموده است که مستی به منظور ارتکاب جرم نباشد، که عمومیت آن شامل جرم ارتكابی در حال مستی و سایر جرائم می شود. این در حالی است که قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲، رفع مسؤولیت کیفری در قبال کلیه جرائم را بدون تمایز میان قتل و سایر جرائم، منوط به آن نموده است که مستی، به منظور ارتکاب جرم ارتكابی در حال مستی نباشد. با این قید که با توجه به استفاده از واژه «جنایت» در ماده ۳۰۷، چنان چه مستی برای نمونه به منظور قتل باشد ولیکن منجر به جنایت نظیر آن همچون قطع عضو گردد، رافع مسؤولیت کیفری مرتکب نخواهد بود.

چهارم: قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ضابطه دیگری را به ضوابط عدول از اصل مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی در حال مستی اضافه نموده است و آن عدم آگاهی شخص مست از وقوع جرم به واسطه مستی است. به عبارت دیگر، چنان چه شخص مست، علم به تحقق جرم به واسطه مستی داشته باشد و همان جرم یا جنایت و نظیر آن رخ دهد، رافع مسؤولیت کیفری او نخواهد بود. قید «ولو نوعاً» در ماده ۳۰۷ نیز دلالت بر آن دارد که مراد قانونگذار، آگاهی مرتکب از موقعیتی است که مستی در آن روی می دهد و معیار آن نیز نوعی است و نه شخصی. مطابق معیار نوعی، چنان چه مرتکب بداند وضعیت مستی که در آن شرب مسکر می نماید به گونه ای است که نوعاً

تحولات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ - ۱۹۴

منجر به قتل می شود، برای احراز مسؤولیت کیفری در قبال وقوع آن کافی خواهد بود.

پنجم: بار اثبات سلب کامل اراده به واسطه مستی و نیز فقدان قصد قبلی برای ارتکاب جرم قتل در قانون مجازات پیشین بر عهده متهم بود، لیکن در سایر جرائم، قانون مجازات پیشین، بار اثبات سلب کامل اراده به واسطه مستی را بر عهده متهم و بار اثبات قصد قبلی برای ارتکاب جرم را بر عهده مدعی آن، یعنی دادستان یا بزه دیده نهاده بود. این در حالی است که قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به درستی بار اثبات خواه اختیاری نبودن مستی یا سلب کامل اراده به واسطه مستی را در کلیه جرائم - بدون تمایز میان قتل و سایر جرائم - بر عهده متهم گذارده است؛ زیرا اصل بر اختیاری بودن رفتار های انسان است و فقدان اختیار ادعایی، مخالف با اصل است و مدعی، عهده دار اثبات آن است. در صورت بروز شک در بقاء، اختیار به واسطه شرب مسکر، به مدد اصل استصحاب، به بقاء حالت سابق، یعنی وجود اراده و اختیار حکم خواهد شد، مگر آن که مدعی، خلاف آن را ثابت نماید (مطهری، ۱۴۰۸: ۹۰/۸؛ خمینی، ۱۳۶۶: ۵۲۳/۲؛ حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۰۷: ۱۴۵). افزون بر این، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بار اثبات وجود قصد قبلی برای وقوع جرم ارتکاب یافته در حال مستی و یا علم مرتکب به وقوع آن، بر عهده مدعی آن، یعنی دادستان یا بزه دیده خواهد بود؛ زیرا اصل برائت و اصل عدم، مقتضی آن است که هنگام شک در وجود قصد قبلی یا علم به وقوع جرم ارتکاب یافته در حال مستی، اصل بر عدم وجود چنین قصد یا علمی نهاده شود، مگر آن که خلاف آن اثبات گردد. همچنین، مقتضای قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر»، این است که لازم نیست متهم، نداشتن چنین قصد یا علمی را ثابت نماید، بلکه دادستان یا اولیاء دم باید داشتن چنین قصد یا علمی را از جانب متهم ثابت نمایند، وگرنه انکار متهم با

یک قسم در جرائم تعزیری کفایت می نماید و در جرائم حدی نیز به علت قاعده «لا یمین فی الحد» به قسم منکر (متهم) نیازی نیست (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷: ۳۹۱).

نشم: در قوانین مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲، قانونگذار به منظور حمایت از نظم عمومی و اجتناب از بی کیفیری شخص مست، در شرایطی که قتل ارتكابی در حال مستی موجب قصاص نیست، تدبیری اندیشیده است که بر اساس آن، مرتکب تعزیر خواهد شد. با این تفاوت که در قانون مجازات اسلامی پیشین، تعزیر مرتکب، منوط به احراز شرایط مقرر در ذیل ماده ۲۲۴ شناخته شده بود. به عبارت دیگر، چنان چه اقدام مرتکب، موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد، موجب حبس تعزیری خواهد بود و افزون بر آن، به میزان حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال تصریح شده بود. لیکن، در خصوص آن که دیه مقتول بر عهده مرتکب یا عاقله وی است قانون ساکت بود. وانگهی، در اعمال مجازات تعزیری، بین مستی اختیاری و غیر اختیاری تفاوتی قائل نمی شد. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مقرر گردید چنان چه قتل و جنایت ارتكابی در حال مستی، موجب قصاص نباشد و مشروط به اختیاری بودن مستی مرتکب، افزون بر دیه، به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات/۱۳۷۵) محکوم می شود. به عبارت دیگر، برای تعزیر مرتکب، نیازی به تحقق شرایط مقرر در قانون سابق نمی باشد و از این حیث، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در جهت حمایت از نظم عمومی، اقدام جدی تری را اتخاذ نموده است؛ زیرا در هر صورت، ارتكاب قتل عمدی از ناحیه کسی که با علم به حرمت، مبادرت به شرب مسکر نموده و در حال مستی مرتکب چنین جرمی می شود، محل نظم جامعه یا خوف یا تجری مرتکب یا دیگران است (آقایی نیا، ۱۳۸۴: ۱/۱۳۶). در تعلیل ضمان مرتکب نسبت به دیه مقتول می توان چنین استدلال نمود که مرتکب به لحاظ مستی اختیاری و نقض قانون مجازات، دارای تقصیر جزایی است و قتل مبتنی بر تقصیر جزایی نیز شبه عمد محسوب و جانی شخصاً عهده دار دیه مقتول خواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۱/۲۸۴؛ پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱/۱۵۵).

تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۱۹۶

قیانچی، ۱۳۷۵: ۱۴۷ و ۱۵۱-۱۵۴؛ وانگهی، تحمیل دیه بر عاقله، خلاف عقل و نقل است و جز با نصّ صحیح و صریح شارع نمی توان عاقله را ضامن شناخت (همین نظر توسط فقها نیز پذیرفته شده است؛ جهت ملاحظه نظر فقها و نیز تفصیل نظرات فقهای سنی و شیعه در مورد قصاص قاتل مست بنگرید به: قیانچی، ۱۳۷۵: ۱۵۴-۱۲۹؛ حسینی عاملی، ۳۰/۱۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴: ۶۵/۲۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۰۴/۶).

هفتم: پیش بینی قاعده درء در ماده ۱۲۰ و رفع مسؤولیت کیفری ناشی از جهل به حکم در جرائم حدّی در ماده ۲۱۸، از رویکرد های نوین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که بی ارتباط با تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری نیست و به ویژه اشاره به این نکته لازم است که بین مواد ۱۵۴ و ۳۰۷ از یک سو، و مواد ۱۲۰ و ۲۱۸ تعارضی وجود ندارد. چنان چه اختیاری بودن مستی محرز باشد و جرم ارتكابی در حالت مستی از جرائم موجب حدّ باشد و متهم ادعا نماید که حین ارتكاب جرم کاملاً مسلوب الاراده بوده است و دلیلی بر نفی آن نیز وجود نداشته باشد، می بایست طبق ماده ۱۵۴، که اثبات مسلوب الارادگی را برای رفع مسؤولیت کیفری لازم شمرده است چنین ادعایی را خارج از عموم مواد ۱۲۰ و ۲۱۸ محسوب کرده و حکم به مسؤولیت کیفری و اقامه حدّ نمود (خمنی، ۱۳۶۶: ۵۲۳/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۸۲/۴۲)؛ اما چنان چه متهم مدعی شود که مستی وی غیر اختیاری بوده و حین ارتكاب جرم نیز کاملاً مسلوب الاراده بوده است و دلیلی بر نفی چنین ادعایی نباشد و علاوه بر آن، احتمال صدق گفتار متهم وجود داشته باشد داخل در عموم ماده ۲۱۸ محسوب شده و مسقط حدّ خواهد بود. از اینرو، چنان چه غیر اختیاری بودن مستی، محرز باشد و لیکن متهم مدعی مسلوب الارادگی کامل در حین جنایت گردد، تا زمانی که دلیلی بر نفی آن نباشد قصاص ثابت نخواهد شد. در واقع، در دو فرض اخیر نمی توان برای اثبات اراده و اختیار، به اصل استصحاب توسّل جست؛ زیرا قاعده احتیاط در دماء و نیز قاعده درء، مانع جریان استصحاب می شوند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۹-۳۷۰). چنان چه جرم

ارتكابی در حالت مستی، از جرائم موجب قصاص یا تعزیر بوده و اختیاری بودن مستی محرز باشد و متهم ادعا نماید که حین ارتكاب جرم کاملاً مسلوب الاراده بوده است و دلیلی نه بر نفی و نه اثبات آن وجود نداشته باشد، باید طبق مواد ۱۵۴ و ۳۰۷ که اثبات مسلوب الارادگی را برای رفع مسؤولیت کیفری لازم شمرده است، چنین ادعایی را خارج از عموم ماده ۱۲۰ محسوب و حسب مورد، حکم به قصاص یا تعزیر داد. اما چنان چه متهم، مدعی شود که مستی وی غیر اختیاری بوده و حین ارتكاب جرم کاملاً مسلوب الاراده بوده است و دلیلی بر نفی یا اثبات هیچ یک از این دو ادعا وجود نداشته باشد، داخل در عموم قاعده درء مقرر در ماده ۱۲۰ محسوب شده و مسقط قصاص یا تعزیر خواهد بود. بدیهی است در این صورت، مجازات تعزیری مقرر در ماده ۳۰۷ نیز به لحاظ وجود شبهه در اختیاری بودن مستی، ساقط می گردد.

هشتم: در مورد ارتداد، دیدگاه فقهی مشهور بر آن است که چنان چه فرد مست، اظهار کفر نماید حکم به ارتداد وی نمی شود و در این زمینه، به اصل استحباب بقای حالت سابقه و نیز فقدان قصد و اراده حقیقی نسبت به آن چه که بیان شده است، استدلال می نمایند (جبعی عاملی، بی تا: ۳۴۱/۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۷۶/۵). قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به تبعیت از این قول در ماده ۲۶۳ مقرر می دارد: «هرگاه متهم به سب ادعا نماید که اظهارات وی در حالت مستی بوده است، سب النبّی محسوب نمی شود ولیکن، مطابق تبصره ماده مرقوم، تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری مجازات خواهد شد.»

۲-۴- چالش های موجود

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ابهامات و نارسایی هایی وجود دارد که نیازمند مداخله قانونگذار در رفع آنها از طریق اصلاح مقررات قانونی مربوط می باشد:

اول: چنان چه مستی غیر اختیاری و با عذر شرعی، منجر به مسلوب الارادگی کامل در حین ارتكاب قتل و جنایت گردد، بدیهی است که موجب قصاص جانی نخواهد بود و در عوض، لازم است دیه مقتول از باب قاعده «لا یبطل دم امرء مسلم»

تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۱۹۸ پرداخت گردد. لیکن، قانونگذار تصریح ننموده است که آیا عهده دار پرداخت آن، شخص جانی است یا عاقله وی؟ حال آن که در این خصوص می توان حالات مختلفی را فرض نمود: چنان چه مصرف مسکر ناشی از اکراه، اجبار و اغفال عامل انسانی باشد از باب اقوی بودن سبب از مباشر، عهده دار دیه مقتول عامل انسانی مذکور می باشد. اما اگر مصرف مسکر ناشی از اشتباه، اضطرار و تداوی باشد در تقصیر یا بی تقصیری مرتکب جای تأمل است؛ از اینرو برای رفع ابهام در فرض اخیر شایسته است قانونگذار صریحاً عهده دار پرداخت دیه در این فرض را تعیین نماید، مگر آن که گفته شود در فرض اخیر نیز مرتکب، مقصر قلمداد می گردد؛ چه آن که عرف، مستی مرتکب در این فرض را نتیجه عدم رعایت حزم و احتیاط یا مصرف مسکر بیش از حدّ ضرورت می شناسد. از کلام فقها در این خصوص چنین استنتاج می شود که در چنین حالتی، پرداخت دیه مقتول بر عهده خود قاتل است و این نظر که از باب خطای محض بودن قتل، عاقله عهده دار پرداخت دیه باشد، قائلی ندارد (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱/۱۵۶؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۷۶-۳۸۱).

دوم: چنان چه فردی با قصد قتل شخص معینی، خود را مست نماید و در حال مستی، به اشتباه فرد دیگری را به قتل رساند در این که قتل ارتكابی، قتل عمد یا غیر عمد شمرده می شود، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که قصد قبلی جانی مست، لازم نیست ناظر به شخص معینی باشد، بلکه صرف قصد قبلی قتل (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۱/۲۸۳؛ آقایی نیا، ۱۳۸۴: ۱/۱۳۶؛ قپانچی، ۱۳۷۵: ۱۵۰) و بلکه صرف این که متهم می داند که در اثر مستی، مرتکب قتل می شود (خوئی، ۱۴۲۲: ۲/۸۰) برای عمدی شمردن آن کافی است و با توجه به اطلاق ماده ۳۰۷، چنین قتلی موجب قصاص خواهد شد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۰)؛ در مقابل، این دیدگاه نیز وجود دارد که ملاک تحقق قتل عمد، وقوع قتل مطابق با قصد مجرمانه جانی است. از اینرو، چنان چه فردی خود را به منظور قتل شخص معینی مست نماید، لیکن

در حال مسلوب الارادگی کامل، شخص دیگری را به قتل رساند، قتل عمد شمرده نخواهد شد؛ زیرا آن چه رخ داده است مقصود جانی نبوده است؛ بلکه این نوع قتل، به لحاظ تقصیر جزایی در ایجاد مستی، شبه عمد محسوب می گردد، مگر آن که مدعی، اعمّ از دادستان یا اولیاء دمّ، ثابت کنند که مرتکب علم داشته است که مستی او می تواند نوعاً موجب قتل هر کس دیگری هم بشود (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱۵۷/۱). با توجه به ابهام موجود در این زمینه، پیشنهاد می شود قانونگذار به نوع قتل در این حالت تصریح نماید و دیدگاه دوم را به عنوان دیدگاه ارجح شناسایی نماید؛ زیرا همچنان - که صرف پیش بینی و احتمال جانی در مورد این که ممکن است در اثر مستی، مرتکب قتل شود برای محکوم نمودن او به ارتکاب قتل عمدی کفایت نمی کند در فرض مسأله نیز که مسلوب الارادگی کامل جانی موجب تغییر ماهیت اشتباه از هویت به اشتباه در هدف می گردد، قتل ارتكابی شبه عمد محسوب می شود.

سوم: علم به تحقق جرم در حال مستی، ولو نوعاً یکی از ضوابط احراز مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی در حال مستی است که قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به آن تصریح نموده است. عبارت قانونگذار در این خصوص به گونه ای است که موجب ابهام در اعمّ از نوعی و شخصی بودن معیار احراز علم می گردد. بنابراین، پیشنهاد می گردد که قانونگذار به منظور رفع ابهام از نوعی بودن معیار احراز علم در این خصوص مقرر دارد که چنان چه شخص مست، نسبت به وقوع جرمی که نوعاً و متعارفاً قابل پیش بینی است، بی تفاوت باشد در قبال آن مسؤولیت کیفری خواهد داشت.

چهارم: در مجازات تعزیری مقرر در ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ابهام وجود دارد، زیرا صرفاً به کتاب پنجم «تعزیرات» ارجاع داده است، اما در کتاب پنجم «تعزیرات»، هیچ ماده قانونی در مورد مجازات تعزیری جنایت ما دون نفس وجود ندارد و در مورد قتل در حال مستی نیز دو ماده قانونی متفاوت، قابل انطباق با آن می باشند: نخست، ماده ۶۱۶ که به قتل غیر عمد در نتیجه بی احتیاطی اشاره می

تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۲۰۰ کند؛ و دوم، ماده ۶۱۲ که مربوط به قتل عمدی است که به هر دلیل قصاص نمی شود. مجازات جرم نخست، درجه پنج (تا پنج سال حبس) و مجازات جرم دوم، درجه چهار (تا ده سال حبس) است.

داوری در این زمینه، متوقّف بر این است که قتل در حالت مسلوب الارادگی کامل، قتل عمدی فاقد قصاص یا قتل غیر عمد ناشی از بی مبالاتی است. مستتب از ماده ۳۰۷ آن است که چنین قتلی، اصولاً قتل غیر عمد شمرده می شود و از اینرو، چنان چه مستی اختیاری و بدون عذر شرعی باشد، مستحقّ تعزیر وفق ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات/۱۳۷۵) است (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴/۱؛ آقایینی، ۱۳۸۴: ۱۳۳/۱). برداشت اخیر با پیش نویس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز که مجازات تعزیری چنین قتلی را یک تا دو سال حبس تعیین کرده بود (ماده ۴-۳۱۳) و نیز با اصل تفسیر به نفع متهم سازگار تر است. پیشنهاد می شود قانونگذار به نوع و میزان مجازات تعزیری در این زمینه، در ماده ۳۰۷ تصریح نماید.

پنجم: در خصوص شرط تشدید مجازات جرائم و تخلفات رانندگی منتهی به قتل یا صدمات بدنی حین مستی راننده یا متصدی وسایل موتوری طبق ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات/۱۳۷۵) اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که شرط تشدید مجازات، وجود رابطه سببیت قطعی میان مستی راننده و وقوع جرم است (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۲) و برخی نیز دیدگاه نخست را مغایر با اطلاق ماده ۷۱۸ می دانند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷: ۳۸۸-۳۸۹). پیشنهاد می شود که قانونگذار موضع خود را در اینباره به طور صریح اعلام نماید و دیدگاهی را که صرف مستی راننده را از موجبات تشدید مجازات می داند، به عنوان دیدگاه أرجح شناسایی نماید. افزون بر این، مستی به عنوان کیفیت مشدّد مجازات در ماده ۷۱۸، مطلق است و شامل وقوع جرائم رانندگی در حالت مسلوب الارادگی کامل نیز می شود و از این جهت، استثنائی

۲۰۱ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۲ - شماره ۲۲ - بهار و تابستان ۹۹

بر ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محسوب می شود. لازم به یادآوری است که ماده ۷۱۸ تنها ناظر به مستی اختیاری است و شامل مستی غیر اختیاری نمی شود.

نشم: در جرائم تعزیری ارتكابی در حین مستی غیر اختیاری، چنان چه سلب اراده، ناشی از مستی به طور کامل نباشد، وفق مفهوم مخالف ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مرتكب در قبال جرم تعزیری ارتكابی، دارای مسؤولیت کامل است، اما به نظر می رسد در این وضعیت، که اختلال نسبی اراده وجود دارد و اراده به طور کامل وجود ندارد و در جرائم تعزیری، قانونگذار در تعیین نوع و میزان آن از اختیار کافی برخوردار است و با محظوریت شرعی در ارتباط با جرائم غیر تعزیری مواجه نیست، لازم است قانونگذار اختلال نسبی قوه تمیز یا اختیار را همانند قانونگذار مجازات عمومی ۱۳۵۲ (تبصره دو ماده ۳۷) از جهات کاهش مسؤولیت کیفری قلمداد نماید.

نتیجه گیری

قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در جهت صیانت همزمان از نظم عمومی و انصاف و عدالت کیفری، در قبال مسؤولیت کیفری ناشی از ارتكاب جرم در حالت مستی، سیاست کیفری غالباً نوین و سنجیده ای را اتخاذ نموده است. از مهم ترین تحولات در قانون مزبور، تفکیک بین مستی اختیاری و غیر اختیاری است که برخلاف مستی غیر اختیاری و با تبعیت از قول مشهور فقهی، اصل اولیه را بر مسؤولیت کیفری تام شخص مست در قبال جرائم ارتكابی در حالت مستی اختیاری بنا نهاده است و در این خصوص، بین جرائم حق اللّهی و حق الناسی تفاوتی قائل نشده است. با این وجود، مشروط به آن که اولاً، مرتكب حین ارتكاب جرم کاملاً مسلوب الاراده باشد و ثانیاً، به قصد ارتكاب همان جرم خود را مست نموده باشد و ثالثاً، علم به آن نداشته باشد که مستی در آن اوضاع و احوال نوعاً منجر به ارتكاب همان جرم می شود، مستی را صرفاً از موجبات کاهش مسؤولیت کیفری شناخته است. مطابق رویکرد مزبور، مستی

تحولات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۲۰۲

غیر اختیاری اصولاً رافع مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی در حال مستی خواهد بود مگر آن که دادستان یا بزه دیده اثبات نماید که مرتکب، حین ارتكاب جرم کاملاً مسلوب الاراده نبوده است که در این صورت، واجد مسؤولیت کیفری تامّ در قبال جرائم ارتكابی در حال مستی خواهد بود. افزون بر این، تعمیم منشأ مستی از خمر به مواد مخدّر و داروهای روان گردان و نظایر آن، تغییر در شرایط اعمال برخی از ضوابط احراز مسؤولیت کیفری، همچون تقیید قصد قبلی از مطلق جرم به قصد قبلی برای وقوع همان جرم ارتكاب یافته، پیش بینی ضابطه نوین علم به وقوع جرم، تمایز در عهده دار اثبات ضوابط مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی در حال مستی، تصریح قانونی به مسؤولیت خود شخص مست و نه عاقله وی به پرداخت دیه جنایت ارتكابی در حال مستی اختیاری، از مهم ترین تحولات و رویکرد های نوین قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. با این وجود، قانون یاد شده، از برخی ابهامات و نارسایی های قانونی، نظیر ابهام در نوع قتل در شرایطی که مستی به منظور قتل شخص معین بوده و به اشتباه، شخص دیگری کشته می شود، ابهام در نوعی یا شخصی بودن معیار علم به وقوع جرم در حال مستی، ابهام در مسؤول پرداخت دیه بزه دیده در جنایات ارتكابی در حال مستی غیر اختیاری، ابهام در نوع و میزان مجازات تعزیری مقرر در ماده ۳۰۷، عدم پیش بینی کاهش مسؤولیت شخص مست در قبال جرائم تعزیری ارتكابی در حال مستی غیر اختیاری به هنگام اختلال نسبی اراده یا اختیار، تعارض یا عدم تعارض مواد ۱۵۳ و ۳۰۷ با مواد ۱۲۰ و ۱۲۸ قانون یاد شده رنج می برد.

منابع

- آشوری، محمد؛ شریعتی نسب، صادق (۱۳۹۱)، **مستی ارادی؛ تقصیری در حکم عمد**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲، ۳۹-۵۸.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۸۴)، **جرائم علیه اشخاص**، ج ۱، تهران: میزان.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا)، **المحلّی بالآثار**، ج ۱۱، قم: دار الفکر.

۲۰۳ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۲ - شماره ۲۲ - بهار و تابستان ۹۹

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، **المهذبّ البارِع فی شرح المختصر النافع**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا)، **المغنی**، ج ۹، بیروت: دار الكتاب العربی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، ج ۴، بیروت: دار الفکر.

- اردبیلی (محقق)، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، ج ۱۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، **تهذیب اللغه**، ج ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، **جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)**، ج ۱، تهران: جنگل (جاودانه).

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۷۳)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۲، قم: بصیرتی.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۶ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۱۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا)، **الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه**، ج ۹، نجف: جامعه النجف الدینیّه.

- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، **الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت (ع)**، ج ۵، بیروت: دار الثقلین.

- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۷)، **قتل در حال مستی؛ جرم در حال مستی**، تحقیقات حقوقی، ۴۸، ۳۴۷-۳۹۶.

- حجّتی، مهدی (۱۳۸۴)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: میثاق عدالت.

- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴ق)، **فقه الصادق**، ج ۲۶، قم: دار الكتاب.

- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹ق)، **الفقه**، ج ۸۹، بیروت: دار العلوم.

- حسینی عاملی، سید محمد جواد (بی تا)، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، ج ۱۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- حسینی، محمد و دیگران (۱۳۹۴)، **بررسی تطبیقی تأثیر ازاله عقل به واسطه مواد سکرآور بر مسئولیت**، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ۳۹، ۳۳-۴۴.

- تحوّلات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- ۲۰۴
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، بیروت: دار الاضواء.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۶۶)، تحریر الوسیله، ج ۲، ج ۲، تهران: دار العلم.
- خطیب الشریینی، محمد بن محمد (۱۳۷۷ق)، مغنی المحتاج، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۶، قم: اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دردیر، ابوالبرکات احمد (بی تا)، الشرح الکبیر، ج ۴، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم.
- الزحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق)، الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۷، دمشق: دار الفکر.
- سپهوند، امیرخان (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، ج ۱، تهران: مجد.
- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، دار احیاء التراث.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، کتاب الخلاف، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علوی، جلال؛ مریوانی، ناصر (۱۳۹۱)، مستی و تأثیر آن بر احکام تصرف مست در فقه اسلامی، پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، ۹، ۱۲۱-۱۴۱.
- عوده، عبدالقادر (۱۹۶۸م)، التشريع الجنائي الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، ج ۱، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۰۷ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب القصاص)، قم: مطبعه العلمیه.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (الحدود)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

۲۰۵ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۲ - شماره ۲۲ - بهار و تابستان ۹۹

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم: اسماعیلیان.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، ج ۵، قم: هجرت.

- قپانچی، حسام (۱۳۷۵)، **قصاص قاتل مست در فقه و قانون مجازات اسلامی**، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ۲، ۱۲۹-۱۵۴.

- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ق)، **الدر المنضود فی أحكام الحدود**، ج ۱، قم: دار القرآن الکریم.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، ج ۷، تهران: مجد.

- مدنی کاشانی، آقارضا (۱۴۱۰ق)، **کتاب القصاص للفقهاء و الخواص**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵ق)، **القصاص علی ضوء القرآن و السنه**، ج ۱، تقریر: سید عادل علوی، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

- مسجدسراتی، حمید (۱۳۸۹)، **مبانی فقهی قصاص در قانون مجازات اسلامی**، سمنان: دانشگاه سمنان.

- مطهری، احمد (۱۴۰۸ق)، **مستند تحریر الوسیله (کتاب القصاص)**، ج ۸، قم: مطهری.

- مفید (شیخ)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰ق)، **المقنعه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، **جرائم علیه اشخاص**، ج ۱، تهران: میزان.

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، تحقیق عباس قوچانی، ج ۴۱ و ۴۲، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- نووی، محی الدین (بی تا)، **روضه الطالبین**، ج ۷، بیروت: دار الکتب العلمیه.

